مهار قدرت دفاعی ما از توان هر کشوری خارج است

جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران گفت: مهار قدرت دفاعی ما از کنترل هر کشوری خارج است چرا که تمام اقشار جامعه ما خود را بسیج کرده‌اند در واکنش به مداخلات ظالمانه کشورهایی مثل آمریکا و متحدان اروپایی‌اش که فکر می‌کنند می‌توانند با تهدیدات از رشد و پیشرفت دفاعی ما جلوگیری کنند، بایستند. سردار حسین سلامی با بیان اینکه امروز در انواع فناوری‌های پیشرفته و پیچیده دفاعی در لبه فناوری‌های نوین جهانی حرکت می‌کنیم، تاکید کرد: آنچه من دیدم دانش‌ها و فناوری‌های مربوط به بهبود وضعیت موشک‌ها، از جهت سیستم‌های فرماندهی، کنترل بهبود کیفیت، موتورهای پیشران، سوخت موتورها، سیستم‌های ناوبری و بال و بدنه انواع مختلف پهپادها با فناوری بسیار مدرن و متنوع بود که عموما حاصل ابتکار عمل و خلاقیت‌های جوانان کشـور است و در عرصه‌های مختلف فناوری‌های مربوط به سیستم‌های هوایی، دریایی، زمینی، پدافند موشکی و همه عرصه‌های نوین پیشرفته نظامی چشمه‌های جوشانی به‌وجود آمده است.

سوسن شریعتی در گفت‌وگو با «آرمان»:

شریعتی «زنان» را به نقد قدرت فرا می‌خواند

◆ تحصیل زنان برای شریعتی اهمیت بالایی داشت ◆ شریعتی مبارزه اجتماعی را وظیفه زن و مرد می‌دانست

عکس: آرمان/حجت سپهوند

آرمان- محمد حسین جعفری: روز زن را گرامی می‌دارند، روزی که تکریم نیمی از جامعه است، نیمی از جامعه که در عین توانمندی‌های والا هیچ گاه در انتظار تشکر نیست و لبخند همسر و فرزند برایش از هر تحسینی والاتر است. متحجران که خود توانایی فعالیت‌های اجتماعی و تاثیرگذاری در جامعه ندارند، او را جنس دوم می‌نامند اما انسان‌های منصف و با دانش گواهی می‌دهند زنان نه تنها ارزشی کمتر از مردان ندارند بلکه در عرصه‌های بااهمیتی از آنان پیشه می‌گیرند. شاید زن دیروز در چالش سنت و مدرنیته گرفتار بود اما زن امروز به‌خوبی این دوگانگی را حذف و در جایگاه اصلی خودش قرار دارد هر چند مردانی از دیروز هنوز همان افکار تاریخ مصرف گذشته را دارند که البته با توجه به پیشرفت و آگاهی جامعه، آن مردان هستند که امروز جایگاهی در جامعه ندارند و شهروند درجه دو هستند. دکتر شریعتی چنین فاطمه اسوه زنان عالم را معنا می‌کند: «خواستم بگویم فاطمه دختر خدیجه بزرگ است دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد است دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر حسنین است. دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر زینب است. باز دیدم که فاطمه نیست. نه، اینها همه هست و این همه فاطمه نیست. فاطمه، فاطمه است...» اکنون «آرمان» با دکتر سوسن شریعتی دختر دکتر شریعتی درباره زن و جایگاه او گفت‌وگو کرده است.

◇ نقش و جایگاه زن در ادبیات و آثار دکتر شریعتی را چگونه ارزیابی می‌کنید و اصولا زن و مساله زنان چه جایگاهی در افکار و آرای دکتر شریعتی دارد؟

برای ارزیابی نگاه شریعتی به موقعیت و جایگاه زنان بی‌تردید نه تنها باید به‌اندیشه‌های او مراجعه کرد که به زندگی او هم باید نظر انداخت. به‌خصوص این روزها که همگی به دنبال پیدا کردن ربط یا تضاد میان عمل و نظر بزرگان هستند و مدام و هر روز از پرده برون می‌افتد رازهای مگوی این و آن. اتفاقا شریعتی هم یکی از آن نام‌هایی است که از موضوعات مورد علاقه افشاگری‌های پی در پی بوده و است از جمله در مورد نظر و عملش در نسبت با زنان. گاه نظرش مورد نقد بوده و گاه عملش. گاه اسلامیتش به پرسش گرفته شده و گاه مدرنیتش.

◇ از زندگی شریعتی شروع کنیم؟

بله! از زندگی او شروع کنیم. شریعتی درباره اقبال می‌گوید: « زندگی‌اش مرکب رسالتش بود». این جمله را به نسبت زندگی شریعتی و تفکرش می‌توان تعمیم داد. زندگی و تفکر شریعتی شباهت بی‌تردیدی به هم دارند: پرتنش، در جست‌وجوی ابداع، منتقد، ناراضی و... شریعتی از آن دسته افرادی نبوده است که چون بـه خلوت مـی‌رود آن کار دیگر می‌کند و نیازی به افشاگری نبوده. به‌خصوص امروزه که چهل سال از مرگش می‌گذرد و در طول ایـن چهل سـال دربـاره زندگی خصوصی، اجتماعی و فکری‌اش، صحبت شـده، نوشته شـده و به عبارتی شفاف‌سـازی شـده و از همین رو امروز با قاطعیت بیشتری می‌توانیم درباره شریعتی و افکار و زندگی او صحبت کنیم و بگوییم چگونه می‌اندیشید و چگونه زیست. تمامی آثارش به چاپ رسیده، خاطرات مستقیم دوستان و نزدیکان و منتقدانش طرح شده، کارهای پژوهشی در خصوص بیوگرافی او به بازار رفته است. همسر شریعتی، پوران شریعت رضوی، البته در این ضرورت شفاف سازی زندگی شریعتی نقش زیادی داشته است. از پخش عکس‌های بدون سانسور او (آخرین تصویر) تا چاپ نوشته‌هایی که دست‌نوشته‌های شخصی او بوده مانند «گفت‌وگوهای تنهایی» و نوشـتن کتاب در خصوص زندگی شـخصی او «طرحی از یک زندگی» و نیز همکاری با کارهای مستقلی مانند کتاب علی رهنما که به عنوان «مسـلمانی در جست‌وجوی ناکجا آباد» به زبان انگلیسی درآمد و سال‌هاست به فارسی ترجمه شده است. مقصود اینکه خانواده شریعتی نه تنها هیچ‌گاه تلاشی برای پنهان‌سـازی ابعاد خصوصی زندگی شریعتی نکرده‌اند که قاطعانه می‌تـوان گفت که هر موضوعی که امروزه بهانه و یا فرصتی برای اصطلاحا افشاگری شده به یمن اطلاعاتی اسـت که خانـواده در اختیار عموم قرار داده اسـت. مثلا عکس‌هایی که از همسـر شریعتی در جهان مجازی چرخ می‌خورد برای اثبات تضاد میان عمل و نظر شـریعتی، از جمله عکس‌های همان آلبوم عکس «آخرین تصویر است». علی شریعتی فرزند استاد محمدتقی شریعتی است، یکی از چهره‌های برجسته نوگرایی دینی و در عین حال بسیار متشرع در مشهد دهه بیست و سی. شریعتی جوان با وجود وفاداری به راه و منش پدر در دهه ۳۰ استقلال نظر و عمل خود را دارد. در روزنامه خراسان شعر می‌گوید، در محافل شعر و ادب فعال است. در سال ۱۳۳۴ وارد دانشگاه مشهد می‌شود و در سال ۱۳۳۷ با همکلاسی خود ازدواج می‌کند و آن هم همکلاسی‌ای که از لحاظ طبقه اجتماعی و فرهنگی با خانواده شریعتی تفاوت دارد. زوج جوان در همان سال به فرانسه می‌روند و در آنجا ادامه تحصیل می‌دهند، به‌رغم فرزند. تا اینجا حداقل چند نکته روشن است: ازدواج غیر سـنتی با زنی تحصیلکرده و فارغ از نفرین و آفرین افکار عمومی برای مخاطبان این خانواده در شـهر سنتی مشهد دهه سـی. به تازگی نامه‌های شـریعتی به همسرش را که مربوط به همین دوره اسـت، به چاپ رسـانده‌ایم. همین نامه‌ها ذهنیت شریعتی را درباره زنان روشن می‌کند. دقت کنید که در این نامه‌ها سخن از شریعتی مصلح دینی نیست سخن از شـریعتی ۲۳ ساله اسـت. هر دو درسشان را به اتمام می‌رسـانند، به ایران بر می‌گردند. شـریعتی می‌شود استاد دانشگاه مشهد و همسرش دبیر دبیرستان‌های مشهد... زنی مستقل به‌لحاظ اقتصادی، شخصیتی، اجتماعی و فعال بی‌هیچ‌گونه محدودیت‌هایی که معمولا محصول نگاه سنتی است. در مورد فرزندان شریعتی هم همین ماجراست. البته تجربه پدری شریعتی تجربه‌ای است کوتاه. پانزده-شانزده سـالگی عمر ما. اما در همین مدت کوتـاه هم رد پایی از آموزش و پرورش با اتوریته سنتی نیست. ما هم همچون دیگر هم نسلی‌های خود با همان دغدغه‌ها و فانتزی‌های خاص دهه ۵۰ بزرگ شدیم. خاطرات خواهران شریعتی هم در این باب خواندنی است.

◇ نظرات شریعتی به عنوان یک متفکر دینی و یا یک نواندیش دینی در خصوص مبحث زن چیست؟

بله و اما نقطه نظرات شریعتی. شریعتی خود نوشته‌هایش را بـه ۳ قسـمت تقسـیم می‌کند. اسلامیات، اجتماعیات و کویریات. در هر سه حوزه رد پای زنان هست. کویریات شریعتی نوشته‌های تنهایی شریعتی‌اند. نوشـته‌هایی که در آن شریعتی مصلح خاموش است. در این نوشته‌ها نوعی نسبت «مذکر- مونث» مدام سـوژه قرار می‌گیرد. در این نوشـته است که صحبت از جایگاه عشق است و دوست داشتن. عشـق همچون تملـک، همچون تجربـه آزادی یا حـدود. صحبت از مادام دولاشـاپل است و مهراوه و... درهبـوط وقتی به قصه خلقت می‌پردازد و از نقش و جایگاه مهراوه در «تجربـه آدم شـدن» صحبـت می‌کند دیگر زنان نه همدست لشکر شـیطان (به قول غزالی یا سـنت اگوسـتین) بلکه همدست خدایان می‌شـوند. دیگر هبوط مجازات نیست و گناهی صورت نگرفته و زنان لازم نیسـت موجودات سیاس و خطرناک معرفی‌شوند.

> **از نگاه شریعتی علم به دلیل اینکه از آزمون و خطا سرچشمه می‌گیرد و زمان هم فاکتوری است متغیر که دائم در حال تغییر است، در ذیل این دو فاکتور متغیر باید دو فاکتور اصلی یعنی کتاب و سنت را تفسیر کنیم. در تفسیر سنت شریعتی تذکر جالبی می‌دهد: می‌گوید من از روش پیامبر صحبت می‌کنم؛ روش پیامبر بـرای اصلاح انقلابی.**

◇ در دیـدگاه دکتر جایگاه زن در مبارزات مدنی و هویت اجتماعی زن چگونه تشریح شده است؟

برای پاسـخ دادن به این پرسـش باید به سـراغ متون اجتماعی شریعتی رفت. در این دسته از آثار شریعتی مبارزه اجتماعی، همسـویی با امر اجتماعی و نتیجتا نقد قدرت را پیش شـرط بدل شدن رعیت به شهروند می‌داند. مرد و زن هـم ندارد. دعوت زنان به خروج از سـقف و ورود به عرصه اجتماعی با همین قصد صورت می‌گیرد و بی‌تردید نه تقلیل دادن همه سـاحت‌های انسان بودن را به ساحت اجتماعـی او. باز هم تاکید می‌کنم که ایـن نگاه زن و مرد ندارد. خروج از خانه به قصد بدل شـدن به سـوژه و تاثیر گذار در صحنه اجتماع. در این خصوص شریعتی مورد نقد قرار گرفته. گفته شده است که شریعتی زنان را به مثابه پیاده نظام لشکر مردان خواسته است و یا مثلا زنان را گونی‌پوش! مثال انقلاب فرانسـه را می‌زنم. زنان بیشترین نقش را در انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ و سپس انقلابات کوچک‌تر قرن نوزدهم فرانسه تا کمون پاریس داشته‌اند اما در سال ۱۹۴۴ حق رأی می‌یابند. عملا به مدت دو قرن نقش سیاهی لشکر در تغییرات بازی کرده‌اند اما امروزه روشن و بدیهی است که برای بدل شدن به رأی و مرئی شدن این پروسه الزامی بوده است. می‌خواهم بگویم تنها شریعتی نیست که می‌گوید برای اینکه زنان از موجودات نامرئی به سوژه‌های اجتماعی مرئی تبدیل شوند، باید از خانه خارج شده و به فعالیت‌های مدنی و حضور پررنگ اجتماعی، کار و تحصیل بپردازند. این نقد را هم به شریعتی شنیده‌ایم که شریعتی «زنانه زدایی» می‌کند از زنان! شریعتی زنان را به مبارزات اجتماعی و فعالیت‌های مدنی دعوت می‌کند و سعی دارد این حس را در زنان بیدار کند که برای هویت خود ارزش قائل شده و با آن نگاهی که بر زن قیمت می‌گذارد مبارزه کنند و با تحصیل علم و فرهنگ جایگاه مطمئنی برای خود فراهم آورند. چرا که اعتقاد دارد زنانی که می‌اندیشند، تحصیل می‌کنند، کار می‌کنند دیگر کالا نیستند و فراقیمت‌اند، غیر قابل قیمت‌گذاری.

◇ دکتر شـریعتی همواره به عنـوان الگوی زن مسلمان حضرت فاطمه و حضرت زینب را مثال می‌زند و در فلسفه شریعتی نگاهی که به زن مسلمان می‌شود، با نگاه سنتی و مدرن به زن در تضاد است. نظرتان در این خصوص چیست؟

برای رسیدن به دیدگاه شریعتی در خصوص حضرت فاطمه باید ابتدا نگاه فلسـفی شـریعتی را بشناسیم. نگاه فلسفی دینی شریعتی با تفسیر متفاوت هبوط و ماجرای میوه ممنوعه شروع می‌شود با این جمله زیبای او: خواست خدا این است که انسان محقق شود (هبوط). تفسیر دیگر شریعتی که باید فراخوانده شـود به موقعیت زن در ادیان ابراهیمی برمی‌گردد، مشخصا با موقعیت هاجر. تفسیری که شریعتی از جایگاه هاجر در کنار کعبه می‌کند. حجر اسماعیل. می‌گوید عجبا. بی‌جهتی کعبه در دام یک زن جهت می‌گیرد. پیغمبران هم نمی‌توانند در کنار کعبه دفن شـوند امـا یک زن دفن می‌شـود در کنار کعبه. خدا که در بی‌جهتی است، کعبه که در بی‌جهتی است، در دامن یک زن، یک کنیز، یک زن سیاه، جهت می‌گیرد! طواف کامل نیست مگر بر گرد دامن هاجر بچرخی. این جایگاه زن در ادیان ابراهیمی است.

◇ دکتر معتقد بودند که سنت از مذهب جداست و عـده‌ای از سـنت‌گراها به همیـن دلیل با او مخالفت می‌کردند. ارزیابی شما از این موضوع چگونه است؟

پاسخ این پرسش را هم باید در آثار اسلامی شریعتی پیدا کرد. شریعتی با دو شبه درمی‌افتد؛ «شبه مدرن» و «شبه مذهبی» اولی را برای دفاع از امر مدرن پیش می‌کشـد و دومی را برای دفاع از مذهب. انسان سنتی مذهبی نیست شبه مذهبی است. شریعتی سنت را از مذهب جدا می‌داند. این یکی آن را قدسی می‌کند و این را پیش پا افتاده. نقدی که دکتر به زن سنتی دارد، این است که او زندانی تنگناهای فرهنگی و قومی و قبیله‌ای است که با نام‌های زیبا جلو آمده اسـت و ربطی به مذهب ندارد. با سنت می‌شود در افتاد، نقدش کرد، تصفیه‌اش کرد اما قدسـی نیسـت. او با رویکرد انتقادی به سـنت از یک سـو و به آنچه که به عنوان شـبه مدرن مطرح می‌شـود از سوی دیگر، درگیر می‌شود. می‌گوید شبه مدرن تا با آنچه به عنوان امر مدرن در جوامعی مانند جوامع ما جا افتاده است مرزبندی کند. در تشبه به امر مدرن با سر زدن سوژه مدرن، بی‌تردید فرق وجود دارد و البته با تک الگویی بودن مدرنیته هم مشکل دارد و به دنبال چندالگویی کردن مدرنیته است، یعنی اعاده حیثیت کردن از انسـان. سر زدن زن مدرن محصول یک مبارزه طولانی اجتماعی و فرهنگی است و شکل‌گیری آن یک شبه و با دو صدور فرمان میسر نمی‌شود. مدرن شدن بها دارد و بدون پرداخت این بها ممکن نمی‌شـود. طرح الگوی سوم توسط شـریعتی در چنین موقعیتی معنی می‌شود: در برابر دو شبه؛ شبه مدرن و شبه سنتی.

◇ چـرا شـریعتی برای بازتفسـیر چهره‌هـای تاریخـی و دینی در قالب انسان کامل تلاش زیادی از خود نشان می‌دهد؟

یکی از روش‌های شـریعتی در پـروژه نوگرایـی دینـی خود، تاریخیت بخشیدن به اسطوره‌های دینـی اسـت. شـخصیت‌های تاریخی‌ای که به مرور اسطوره‌ای شـده‌اند. آنهـا را بـه تاریـخ بر می‌گردانـد. می‌گویـد امامـان ما انسان‌هایی‌اند والا و باید ردپایشان را در موقعیت‌های زیست‌شده پیدا کرد. شریعتی اعتقاد دارد از طریق نشاندن شخصیت‌های اسلام در جایگاه تاریخی‌شـان می‌توانیم دینامیک از دست رفته را برگردانیم و آنها را در اندیشه و زندگی خود دخیل کنیم.

◇ دیدگاه شریعتی نسبت به زن مسلمان، در قالب الگویی از حضرت فاطمه(س) چیست؟

در پایان کتاب فاطمه فاطمه است می‌گوید: «خواستم بگویم فاطمه دختر خدیجه بزرگ است، دیدم فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد است، دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است، دیدم که فاطمه نیسـت. خواستم بگویم که فاطمه مادر حسنین است، دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر زینب است، باز دیدم که فاطمه نیست. نه، اینها همه نیست و این همه فاطمه نیست. فاطمه فاطمه است.» امروز بحث مگر همین نیسـت؟ زن به صفت مادر، به صفت دختر، به صفت همسر، به صفت خواهری، بزرگی و... یا زن به صفت خودش. قائم به خود. این نشان می‌دهد که شریعتی فاطمه را تنها به صفت اینکه مادر خوبی است و یا همسر خوبی است و یا فرزند خوبی است ستایش نمی‌کند، همه اینها هست، بلکه به عنوان یک انسان کامل او را ستایش می‌کند. شریعتی در تلاش برای تغییر در ذهنیت زن سنتی است با این تفسیر. زنی است که در چارچوب سنت گرفتار است، نه مذهب. از زینب مثال می‌زند که برای هدفی که انتخاب کرده به عنوان یک هویت مسـتقل انسانی، از همسـرش جدا می‌شود و راه مبارزه اجتماعی و سیاسی را در پیش می‌گیرد. در قصه حسن و محبوبه به زنی اشاره می‌کند که به همه مظاهر سنتی می‌گوید نه. با گوشه چشمی به زنان مبارز سال‌های ۵۰. با یک دست لباس ساده بر سر سفره عقد می‌نشیند و با رفتاری رادیکال و عاصی علیه همه مظاهر سنتی نه می‌گوید. این همه محصول آن نگاهی است که می‌خواهد با آن نگاهی که نگاه کالایی به زن دارد اعتراض کند. محبوبه نماد دختری می‌شود که خود همسرش را انتخاب می‌کند. من نمی‌خواهم بگویم آن تیپ دهه ۵۰ یک تیپ ایده‌آل است، سعی دارم به ریشه‌های سر زدن یک سوژه اجتماعی جدید اشاره کنم که در همین فرهنگ شکل می‌گیرد. خودش انتخاب می‌کند، خودش ازدواج می‌کند، از شی‌ءشدن گریزان است، کالای جنسی نیست و اگر در ادامه آن فرهنگ انقلابی به مصرف نه می‌گوید، برای نفی زنانگی‌اش نیست بلکه برای تقلیل پیدا نکردن به شـیء مصرفی اسـت و این همه اساسا در تضاد با زنانگی نیست. اینجاست که بار دیگر برمی‌گردیم به شـریعتی کویریات. من با قاطعیت می‌گویم در آن دوره و درمیان روشـنفکران آن زمان هیچ نویسـنده‌ای به‌اندازه شریعتی از عشق، زیبایی، زنانگی سخن نمی‌گوید و زن را به معنای انسانی ستایش نمی‌کند. آن هم در چه زمانی؟ دهه ۴۰. درسـت در زمانی که اولین قیام‌های مسلحانه در حال شکل‌گیری است. اینکه بگویند شریعتی در زندگی شخصی با زندگی اجتماعی‌اش در تضاد بوده، یک مضحکه است و یا یک بدفهمـی رادیکال. او تا آخر عمر همچون خودش زندگی کرد و اندیشید.

◇ آیا در شخصیت فکری و شیوه رفتاری شریعتی در زندگی هیچ تضادی وجود ندارد؟

او کسـی نبوده کـه دوره‌ای را چریک مبارز باشـد و دوره‌ای را خلوت نشین. شریعتی در یک بازه زمانی هشت ساله می‌نویسد و سخنرانی می‌کند یعنی از سال ۴۸ تا ۵۲، بعد هم دسـتگیر می‌شود و دو سـال بعد هم می‌میرد. این تقسیم سـه‌گانه که گفتم مربوط به همین ۸ سال است. در سال ۴۸ کویر و هبوط را می‌نویسد، در سال ۵۱ سخنرانی فاطمه فاطمه اسـت را ارائه می‌دهد. این تاریخ‌ها را کنار هم بگذارید. یعنـی از مهراوه و فاطمه و محبوبه و... مادام دولاشاپل و... دنیای زنانه شریعتی چندالگویی است و این الگوها نیز با هم در تضاد نیستند.

◇ وقتـی آثار شـریعتی را می‌خوانیم به کرات ردپای زن را می‌بینیم که هویت خود را دارد. اصلا دکتر شریعتی از پرداختن به مساله زن چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

هدف اصلی او رهاسازی زن گرفتار در دو تقلید است که همان شـبه مدرن و شبه سنتی باشـد و در جهت اعاده حیثیت از نوع دیگری از انسان. امروزه جمهوری اسلامی افتخار می‌کند که زنان در عرصه‌های مختلف حضور دارند و این نتیجه انقلاب است که زنان نقش پررنگی در جامعه بازی کنند. البته در اغلب نظام‌های برآمده از انقلاب می‌توان وضعیت‌های پارادوکسـیکال را مشـاهده کرد. جایی زن می‌تواند مشاور رئیس‌جمهور شود و در جای دیگر همین زن از همسرش جدا می‌شود و حضانت کودک را از دست می‌دهـد. از زاویه‌ای می‌توان به چنین مـواردی پرداخت که پارادوکس می‌نماید و شریعتی به آنها بسیار تاکید دارد. شریعتی به ما می‌گوید که باید جهان‌بینی خود را تغییر دهیم، نگاه فلسفی خود را به زنان تغییر دهیم و اگر تنها به نقش اقتصادی زن توجه شود و کارایی محض او در جامعه، آنگاه مجبور به تقسیم‌بندی و سـهمیه بندی او می‌شویم. برای دانشگاه او سهمیه در نظر گرفته می‌شود و وقتی بپرسند چرا؟ می‌گویند به این دلیل که اگر در این رشته‌ها درس بخوانند فردا باید در این رشته شاغل شوند و جای مردان را خواهند گرفت. خب؛ چه اشکال دارد؟

◇ تفسیر شریعتی از نقد سنت و جایگزینی روش به جای سنت چگونه است؟

از نگاه شـریعتی علـم به دلیل اینکه از آزمون و خطا سرچشـمه می‌گیرد و زمان هم فاکتوری است متغیر که دائم در حال تغییر اسـت، در ذیل این دو فاکتور متغیر باید دو فاکتور اصلی یعنی کتاب و سنت را تفسیر کنیم. در تفسیر سنت شریعتی تذکر جالبی می‌دهد. می‌گوید من از روش پیامبر صحبت می‌کنم؛ روش پیامبر بـرای اصلاح انقلابی. یعنی تغییر در سنت‌های جوامع به کمک اصلاح انقلابی. پیامبر به عنوان یک مصلح انقلابی در یک نظام جاهلی به ناگهـان نمی‌تواند انقلاب کند و در طـی چند روز همه سـنت‌های غلط گذشـته را از ذهن مردم پاک کند. بنابراین آرام آرام افکار عمومی را از گذشـته خود جدا می‌کند و به سمت آینده اصلاح شـده می‌برد. بنابراین یک روند آرام و در طی چند سال احکام صحیح را جایگزین رفتار جاهلی می‌کند، مثلا برده‌داری، تعدد زوجات و... نوع نگاه ما به قوانین شرعی به تعبیر شریعتی باید در ذیل دو فاکتور زمان و علم تغییر کند. توجه به این نکته که سنت قدسی نیست و انسان موجودی است متغیر و ارزش‌ها هر چند ثابت نمی‌توانند یکبار برای همیشه و متحدالشکل اعمال شوند. به نظر من شریعتی نقش بسزایی در این پروسـه طولانی و پرمحنت سر زدن تیپ جدید زن در جامعه و فرهنگ ما داشته است: نقد «شبه»ها و تلاش برای ابداع اشکال متفاوت انسان بودن از مقدمات آن بوده است.

> **باید به سراغ متون اجتماعی شریعتی رفت. در این دسته از آثار شریعتی مبارزه اجتماعی، همسویی با امر اجتماعی و نتیجتا نقد قدرت را پیش شرط بدل شدن رعیت به شهروند می‌داند. مرد و زن هم ندارد. دعوت زنان به خروج از سقف و ورود به عرصه اجتماعی با همین قصد صورت می‌گیرد و بی‌تردید نه تقلیل دادن همه ساحت‌های انسان بودن را به ساحت اجتماعی او!**

◇ چرا شریعتی از نقد سنت و جایگزینی روش به جای سنت چگونه است؟

از نگاه شـریعتی علـم به دلیل اینکه از آزمون و خطا سرچشـمه می‌گیرد و زمان هم فاکتوری است متغیر که دائم در حال تغییر اسـت، در ذیل این دو فاکتور متغیر باید دو فاکتور اصلی یعنی کتاب و سنت را تفسیر کنیم. در تفسیر سنت شریعتی تذکر جالبی می‌دهد. می‌گوید من از روش پیامبر صحبت می‌کنم؛ روش پیامبر بـرای اصلاح انقلابی. یعنی تغییر در سنت‌های جوامع به کمک اصلاح انقلابی. پیامبر به عنوان یک مصلح انقلابی در یک نظام جاهلی به ناگهـان نمی‌تواند انقلاب کند و در طـی چند روز همه سـنت‌های غلط گذشـته را از ذهن مردم پاک کند. بنابراین آرام آرام افکار عمومی را از گذشـته خود جدا می‌کند و به سمت آینده اصلاح شـده می‌برد. بنابراین یک روند آرام و در طی چند سال احکام صحیح را جایگزین رفتار جاهلی می‌کند، مثلا برده‌داری، تعدد زوجات و... نوع نگاه ما به قوانین شرعی به تعبیر شریعتی باید در ذیل دو فاکتور زمان و علم تغییر کند. توجه به این نکته که سنت قدسی نیست و انسان موجودی است متغیر و ارزش‌ها هر چند ثابت نمی‌توانند یکبار برای همیشه و متحدالشکل اعمال شوند. به نظر من شریعتی نقش بسزایی در این پروسـه طولانی و پرمحنت سر زدن تیپ جدید زن در جامعه و فرهنگ ما داشته است: نقد «شبه»ها و تلاش برای ابداع اشکال متفاوت انسان بودن از مقدمات آن بوده است.

◇ دیدگاه شریعتی نسبت به زن مسلمان، در قالب الگویی از حضرت فاطمه(س) چیست؟

در پایان کتاب فاطمه فاطمه است می‌گوید: «خواستم بگویم فاطمه دختر خدیجه بزرگ است، دیدم فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد است، دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است، دیدم که فاطمه نیسـت. خواستم بگویم که فاطمه مادر حسنین است، دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر

یادداشت

غفلت از خانواده

زهره آشتیانی *

این رسـمی دیرین اسـت که وقتـی از علل عدم موفقیـت درباره موضوعی صحبت می‌شـود، اغلب صاحبنظران نسبت به عدم وجود قوانین در حوزه مرتبط با موضوع مدنظر اعتراض می‌کنند و انگشت اتهام را به قوه مقننه باز می‌گردانند، ولی آنچه مشهود است آنکه در بسیاری از موارد چنین گلایه‌هایی درست نبوده و ما را به مسیر اشتباهی می‌کشاند که حاصل آن موازی کاری‌ها و اتلاف انرژی به جای حل مساله است. این مسـاله‌ای که در حوزه خانواده نیز بدان مبتلا شده‌ایم و اکنون علل مشکلات موجود را ناشی از خلأ قانونی می‌دانند در حالی که باید برای روشنگری اذهان گفت که حداقل در این موضوع برخی مسئولان اجرایی با نادیده انگاشتن قوانین و مصوبات خلأها را ایجاد کرده‌اند. در سال‌های اخیر تغییرات حوزه خانواده به چالشی جدی تبدیل شده است و جامعه شناسان از بحران فروپاشی خانواده سخن می‌گویند، و این زنگ هشداری است که باید بدان توجه کرد. چرا که بی‌تردید تمامی آسیب‌های اجتماعی که اکنون با آن روبه‌رو هسـتیم ریشه در وضعیت خانواده دارد. اما آنچه جالب توجه اسـت آنکه با بررسی سطحی در موضوع قانون‌گذاری در حوزه خانواده به این نتیجه می‌رسیم که نه تنها در این حوزه با خلأ قانونی مواجه نیستیم بلکه با انباشتگی قانون که موجب موازی‌کاری‌های بیهوده شده است، مواجهیم. در ۸ اصل از قانون اساسی به صورت صریح حفظ کیان خانواده مورد تاکید قرار گرفته است به ویژه اصل دهم قانون اساسی به صورت کامل به‌این موضوع پرداخته، در سند چشم انداز توسعه ایجاد نهاد مستحکم خانواده مورد توجه قرار دارد و البته در برنامه‌های توسعه‌ای کشور موضوع خانواده و مسائل آن نیز مورد تاکید بوده است، از جمله آنکه در برنامه چهارم توسعه در ۶ ماده و در برنامه پنجم توسعه در ۱۲ ماده به صورت مشخص و در برنامه ششم توسعه در ۱۰ ماده با موضوعات مختلف مسـاله خانواده در کانون توجه قـرار دارد. اما به‌رغم تمام این موارد، اکنون بحران‌هایی که بر سـر راه تغییر مفهوم خانواده قرار گرفته است هر روز به صورت بولتن‌هایی جداگانه و البته آن‌هم برای نهادهایی خاص ارسال می‌گردد و تنها پرسش اینجاست که چطور می‌شود قوانین مورد غفلت قرار می‌گیرند؟ امروز وقتی لابه‌لای قوانین مربوط به حوزه خانواده به جست‌وجو می‌پرداختم با عناوین مصوباتی مواجه شدم که به‌نظر می‌رسـد فراموش شده‌اند و یا اینکه در طول زمان تغییر ماهیت داده‌اند. شورای عالی خانواده که مصوب سال ۱۳۸۳ هیات وزیران است ظاهرا جای خود را به ستاد ملی زن و خانواده داده است و این یکی از نمونه‌های تفسیر و تغییر در طول زمان است و یا کارگروه ملی خانواده مصوب سال ۱۳۸۷ هیات وزیران که هرگز تشکیل نشده است، به طوری که تمام دغدغه‌های مفهومی و نهادی که این روزها درباره نهاد خانواده مطرح می‌شـود در این کارگروه دیده شده است ولی پرسش اینجاست که چطور می‌شـود هیچ یک از دولت‌ها نسـبت به تشـکل آن قدمی برنمی‌دارند، و شـاید منطقی‌ترین پاسخ این باشد که همچنان موضوع خانواده و اتفاقاتی که برای آن می‌افتد در اولویت آن دست از مسئولان قرار نگرفته است، چرا که اگر چنین بود بعد از گذشت سال‌ها آن‌هم با پیگیری‌های فراوان از سوی نمایندگان مجلس ستاد ملی زن و خانواده تشکیل نمی‌شد بلکه در اهم برنامه‌های دولت قرار می‌گرفت. شاید بهتر باشد که دستگاه‌های اجرایی به جای نگرش تک‌بعدی به موضوع زنان و برجسته سازی مساله اشتغال و مدیریت به عنوان تنها مشکلات زنان، با نگاهی همه جانبه موضوع زن و خانواده را در برنامه‌های خود گنجانده و حداقل ۳درصد از بودجه خود را به این حوزه اختصاص دهند، و قطعا تمام برنامه‌های هر دستگاهی دارای پیوست زنان و خانواده باشد تا در درازمـدت این موضوع در متن برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد. نباید فراموش کنیم که تغییرات اجتماعی امروزه بیش از هر چیز دیگر خانواده را درگیر کرده و موجب شکاف عمیقی در جامعه شده است. بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵ تعـداد مردان متاهل بیش از زنان بوده و بنابر همین گزارش ۷۰۰ هزار نفـر زن مجرد به دلیل طلاق وجود دارند و این آمار گویای تغییر سبک زندگی ایرانی است که در آینده می‌تواند موجب رسمیت بخشیدن و شکستن قبح بحران‌هایی چون ازدواج سفید شود که کودکانی بی‌هویت را به آینده کشور تحویل خواهد داد. از سویی نمی‌توانیم نادیده بگیریم که آمار زنان سرپرست خانوار اکنون نزدیک به ۳میلیون نفر است که عدم توجه به وضعیت آنها موجب فقر و بروز آسیب‌های اجتماعی خواهد شد که البته جای تاسـف است که به‌رغم امکان مدیریت بودجه برای تخصیص به حوزه‌های مورد نیاز، بودجه حمایتی زنان سرپرست خانوار کاهـش می‌یابد و در اینجا انتظار می‌رود که دولت به فکر تامین درآمد پایدار در این حوزه باشد چرا که قطعا هر روز بر تعداد این قشر افزوده خواهد شد و باید چتر حمایتی برای حفظ زندگی آنها داشته باشیم. با تمام ایـن موارد انتظار می‌رود که به جای اعتراض به علت‌یابی عدم اجرای قوانین بپردازیم که این آسیب شناسی ما را یک گام به پیش خواهد برد.

*دبیر فراکسیون خانواده مجلس شورای اسلامی

ویـژه

قاضی‌عسکر:

سعودی‌ها نتیجه بررسی حادثه منا را اعلام نکردند

همایش مشترک معاونان و مدیران ستادی بعثه مقام معظم رهبری و مسئولان دفاتر نمایندگی بعثه در مناطق و استان‌ها به منظور تبیین برنامه‌های حج ۹۷ امروز با حضور حجت‌الاسلام سیدعلی قاضی‌عسکر نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی در تهران برگزار شد. نماینده ولی فقیه درامور حج و زیارت دراین همایش با تشریح توافقات صورت گرفته در مذاکرات هیات حج کشـورمان با وزیرحج عربستان تصریح کرد: با توجه به حضور زودهنگام تیم‌های کارشناسی کشورمان درعربستان، درمقایسه با سال گذشته از وضعیت بهتری برخورداریم و در حوزه‌های مسـکن و تغذیه امکانات خوبی با هدف جلب رضایت بیشتر زائران فراهم شده است. وی با اشاره به اینکه نتیجه بررسی‌های ۲۵ کمیته کارشناسی حج ۹۶ دربرنامه‌ریزی‌های حج آینده و رفع نواقص به صورت جدی مورد توجه قرارگرفته اسـت، افزود: دربخش فرهنگی روحانیون، معین و معینه‌ها مشخص شده‌اند و امیدواریم با استفاده از افراد با نشاط و فعال، به آموزش زائران به عنوان محور فعالیت‌ها در این حوزه هرچه بیشتر توجه شود و برنامه‌ها دنبال و با موفقیت اجرا گردد. سرپرست حجاج ایرانی خطاب به حاضران گفت: شما مسئولیت سنگینی برعهده دارید و باید ضمن اطلاع‌رسانی دقیق و جامع به زائران، امکان استفاده حداکثری ازجلسات آموزشـی را فراهم آورید و شرایط حج امسال و خدماتی را که در مدینه